

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا.م. شیری

۲۱ فبروری ۲۰۱۶

نظر ستالین در باره مبارزهٔ خلقها برای صلح و در بارهٔ میهنپرستی

بخش نخست

ما از صلح و تقویت رابطهٔ کاری با همهٔ کشورها پشتیبانی می‌کنیم.

"سیاست خارجی اتحاد شوروی شفاف و روشن است:

– ما از صلح و تقویت رابطهٔ کاری با همهٔ کشورها پشتیبانی می‌کنیم و تا زمانی که آنها چنین رابطهٔ ای را با اتحاد شوروی حفظ کنند، تا زمانی که برای ضربه‌زدن به منافع کشور ما سعی نکنند، در این موضع خواهیم ایستاد.

– ما در موضع صلح‌آمیز، دوستانه و حسن‌همجواری با همهٔ کشورهای همسایه دارای مرز مشترک با اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ایستاده‌ایم و تا زمانی که آنها چنین رابطهٔ ای را با اتحاد شوروی حفظ کنند، تا زمانی که به طور مسقیم یا غیرمستقیم برای آسیب‌زدن به تمامیت و مصونیت مرزی اتحاد شوروی سعی نکنند، در این موضع خواهیم ایستاد.

– ما از همهٔ خلقها که قربانی تجاوز شده و در راه استقلال میهن خود مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.

– ما از تهدیدات متجاوزان نمی‌هراسیم و آماده‌ایم هر ضربهٔ جنگ‌افروزان و تهدیدکنندگان مصونیت مرزهای اتحاد شوروی را با دو ضربهٔ متقابل پاسخ دهیم.

چنین است سیاست خارجی اتحاد شوروی" ((از گزارش ی. و. ستالین به کنگرهٔ هجدهم حزب در بارهٔ کار کمیته مرکزی حزب کمونیست سراسری (بلشویک)، ۱۰ مارچ ۱۹۳۹)).

بگذار شجاعت اجداد بزرگ ما در جنگ کبیر میهنی الهام‌بخش ما باشد!

رفقای ارتش سرخ و ملوانان سرخ، فرماندهان و کارکنان ادارهٔ سیاسی، مردان و زنان پارتیزان!

همهٔ جهان به شما به مثابهٔ یک نیروی قادر به نابودی انبوه درندگان المان اشغالگر می‌نگرد. خلق‌های به بردگی گرفته شدهٔ اروپا، گرفتارشدگان در زیر یوغ اشغالگران المان به شما به عنوان ناجیان خود می‌نگرند. مأموریت بزرگ آزادی‌بخشی سهم ما شد. سزاوار این مأموریت باشید! جنگ شما، جنگ عدالت، جنگ آزادی‌بخش است. بگذار سیمای شجاعانهٔ اجداد بزرگ ما - الکساندر نوسکی، دمیتری دونسکی، کوزما مینین، دمیتری پاژارسکی، الکساندر

سوروف، میخائیل کوتوزوف- در این جنگ الهامبخش شما باشد! بگذار پرچم ظفرنمون لنین کبیر شما را تحت تأثیر قرار دهد! (از سخنرانی ی. و. ستالین در میدان سرخ، ۷ نومبر ۱۹۴۱).

خطر جنگ اقدام مشترک ائتلاف ضد هیتلری را به منظور رهایی بشریت از بازگشت به توحش و خشونت‌های قرون وسطی به یک ضرورت مبرم بدل کرده است.

"می‌گویند ائتلاف انگلیس-شوروی-امریکا شانس بزرگی برای پیروزی دارد و آن، در صورت نبود یک نقص ارگانیک قادر به تضعیف و گسترش ائتلاف، قطعی بود. نارسائی، به عقیده آنها این است که این ائتلاف از عناصر ناهمگون دارای ایدئولوژی متفاوت تشکیل یافته، که این تفاوت هم ائتلاف را از امکان سازماندهی اقدام مشترک علیه دشمن مشترک محروم می‌کند.

بگمانم، این اظهارات صحیح نیستند.

انکار تفاوت در ایدئولوژی و ساختار اجتماعی کشورهای عضو ائتلاف انگلیس-شوروی-امریکا مضحک است. اما آیا این وضع امکان و ضرورت اقدام مشترک اعضای ائتلاف را علیه دشمن مشترکی که آنها را با خطر بردگی مواجه نموده، منتفی می‌سازد؟ قطعاً، نه. علاوه بر آن، واقعیت خطر جدی، اقدام مشترک اعضای ائتلاف برای نجات بشریت از بازگشت به توحش و خشونت‌های قرون وسطی را الزامی ساخته است. آیا برنامه اقدام ائتلاف انگلیس-شوروی-امریکا برای سازماندهی مبارزه مشترک علیه استبداد هیتلری و کسب پیروزی کافی نیست؟ تصور می‌کنم که کاملاً کافیست" (از متن گزارش ی. و. ستالین به جلسه باشکوه شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با سازمانهای حزبی و اجتماعی شهر مسکو، ۶ نومبر ۱۹۴۲).

میهن‌پرستان همه کشورها برای مبارزه با سلطه‌جویی جهانی هیتلریزم موظفند خلقهای آزادیخواه را در یک جبهه واحد متحد سازند.

"ج - آن، (انحلال کمینترن-تحریر) کار میهن‌پرستان آزادیخواه کشورها را برای متحد کردن نیروهای مترقی کشور خود، مستقل از وابستگی حزبی یا اعتقادات دینی آنها در یک جبهه ملی-آزادی‌بخش برای تشدید مبارزه علیه فاشیسم تسهیل می‌کند.

د - آن، کار میهن‌پرستان همه کشورها را برای متحد کردن خلقهای آزادیخواه در یک جبهه بین‌المللی برای مبارزه علیه خطر سلطه‌جویی جهانی هیتلریزم تسهیل می‌کند، راه دوستی خلقها را بر پایه برابر حقوقی هموار می‌سازد. به عقیده من، همه این اوضاع، در مجموع به تحکیم و تقویت جبهه واحد متحدان و سایر خلقهای متحد در مبارزه آنها برای پیروزی بر استبداد هیتلری منجر می‌گردد (از پاسخ ی. و. ستالین به آقای کینگ ۲۳ مه ۱۹۴۳).

قدرت میهن‌پرستی شوروی از اخلاص و وفاداری خلقها به میهن شورانی خود نشأت می‌گیرد!

شاهکارهای خلقهای اتحاد شوروی در پشت‌جبهه با شاهکارهای جاودانه نیروهای مسلح ما در جبهه‌ها برابری می‌کند، از میهن‌پرستی گرم و حیات‌بخش شوروی منبعت می‌شود.

سرچشمه قدرت میهن‌پرستی شوروی نه نژادپرستی یا تعصبات ناسیونالیستی، بلکه، ارادت و وفاداری عمیق خلقها به میهن شورانی خود، اتحاد برادرانه زحمتکشان همه خلقهای کشور ما می‌باشد. میهن‌پرستی شوروی با سنن ملی خلقها و منافع حیاتی مشترک همه زحمتکشان اتحاد شوروی به طور هارمونیک هماهنگ است. میهن‌پرستی شوروی همه ملتها و خلقهای کشور ما را نه متفرق، بلکه، به عکس، در یک خانواده برادرانه واحد متحد می‌سازد. این است شالوده دوستی

خلل‌ناپذیر و رو به تحکیم خلقهای اتحاد شوروی. در عین حال، خلقهای اتحاد شوروی به حقوق و استقلال ممالک خارجی احترام می‌گذارد و آمادگی خود را برای زندگی صلح‌آمیز و دوستانه با خلقهای کشورهای همسایه همیشه اعلام کرده است. این مبنای روابط رو به توسعه و تقویت کشور ما با خلقهای آزادیخواه را باید دید" (از متن گزارش ی. و. ستالین به جلسه باشکوه شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با سازمانهای حزبی و اجتماعی شهر مسکو، ۶ نومبر ۱۹۴۲).

ناممکن ساختن جنگ جدید و تهاجم جدید مهمترین وظیفه است.

"پیروزی در جنگ با المان یعنی انجام وظیفه بزرگ تاریخی. اما پیروزی در جنگ به معنای تأمین صلح پایدار و آینده امن برای خلقها نیست. مهمترین وظیفه نه فقط پیروزی، بلکه، ناممکن ساختن وقوع جنگ جدید و تهاجم جدید است، - اگر نه برای همیشه، بلکه، حداقل برای دوره زمانی طولانی" (از متن گزارش ی. و. ستالین به جلسه باشکوه شورای نمایندگان زحمتکشان مسکو با سازمانهای حزبی و اجتماعی شهر مسکو، ۶ نومبر ۱۹۴۲).

خلق کبیر روس - برجسته‌ترین ملت در میان همه ملت‌های اتحاد شوروی

"علاقه‌مندم باده را به سلامتی خلقهای شوروی ما، و پیش از همه، به سلامتی خلق روس بلند کنم. من قبل از هر چیز به این سبب به سلامتی خلق روس می‌نوشم، که آن، برجسته‌ترین ملت در میان همه ملت‌های اتحاد شوروی شمرده می‌شود. من به این سبب به سلامتی خلق روس باده بلند می‌کنم که در این جنگ، به مثابه نیروی پیشرو اتحاد شوروی در میان همه ملت‌های اتحاد شوروی عمل کرد.

من نه تنها به سبب نقش رهبری، بلکه به سبب نکات، شخصیت استوار و بردباری خلق روس باده بلند می‌کنم. اشتباهات دولت ما کم نبود، هنگامی که ارتش ما در سالهای ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲ از روستاها و شهرهای اوکراین، بلاروس، مولداوی، استان لنینگراد، حوزه بالتیک، جمهوری کارلیا - فنلاند عقب‌نشینی کرد، عقب‌نشینی کرد برای این که چاره دیگری نداشت، ما اوضاع مایوس‌کننده‌ای داشتیم. اگر ملت دیگری بود، می‌گفت شما انتظارات ما را به جای نیابردید، ما دولت دیگری سر کار می‌آوریم که بتواند با المان قرار صلح ببندد و آرامش ما را تأمین کند. اما خلق روس به این راه نرفت. زیرا، به صحت سیاست دولت خود اطمینان داشت و برای تار و مار کردن المان، راه از خودگذشتگی را در پیش گرفت و این اعتماد خلق روس به دولت شوروی همان نیروی تعیین‌کننده‌ای بود که موجب پیروزی تاریخی بر دشمن بشریت - فاشیسم گردید.

سپاس از خلق روس به خاطر این اعتماد!

به سلامتی خلق روس!" (از سخنرانی ی. و. ستالین در مراسم پذیرائی از فرماندهی ارتش سرخ در کرملین در ۲۴ مه سال ۱۹۴۵).

شکست ارتش روسیه در جنگ روسیه - جاپان در سال ۱۹۰۴ اثرات سنگینی در خاطره خلق باقی گذاشت.

جاپان در سال ۱۹۰۴، در جنگ روسیه - جاپان به کشور ما حمله کرد. همانطوری که واضح است در ماه فبروری سال ۱۹۰۴ زمانی که هنوز مذاکره بین جاپان و روسیه ادامه داشت، جاپان با استفاده از ضعف دولت تزاری، به طور غیرمنتظره و عهدشکنانه، بدون اعلان جنگ، به کشور ما هجوم آورد و با حمله به اسکادران روسیه در منطقه بندر آرتور و منهدم کردن چند کشتی جنگی روسیه شرایط مساعد جبهه خود را فراهم آورد. در این حمله سه کشتی جنگی

درجه یک روسیه را از رده خارج ساخت... همانطور که معلوم است، روسیه در جنگ با جاپان شکست خورد. جاپان نیز سعی کرد از شکست روسیه تزاری برای تصرف ساخالین جنوبی، تحکیم جای پای خود در جزایر کوریل استفاده نماید و بدین نحو، راه خروج ما به اقیانوس در شرق و در ادامه، همه راههای ورود ما به بنادر کامچاتکا و چوکوتکای شوروی را مسدود نماید. روشن بود، که جاپان قصد داشت کل شرق دور را از روسیه جدا کند...

اما شکست نیروهای روسیه در سال ۱۹۰۴ در دوره جنگ روسیه-جاپان اثرات سنگینی در خاطره خلق باقی گذاشت. آن شکست، یک لکه سیاه برای کشور ما بود. خلق ما باور داشت و منتظر فرارسیدن روز شکست جاپان و محو آن لکه سیاه بود. ما، نسل سالمندان چهل سال در انتظار این روز نشستیم. بالاخره آن روز فرارسید. امروز جاپان به مغلوبیت خود اذعان نموده و معاهده تسلیم بی قید و شرط را امضاء کرد.

این به معنای آن است که ساخالین جنوبی و جزایر کوریل به اتحاد شوروی ملحق می شوند و بعد از این، آنها وسیله جدائی اتحاد شوروی از اقیانوس و پایگاه حمله جاپان به شرق دور کشور ما نخواهد بود. بلکه به عکس، آنها به واسطه پیوند اتحاد شوروی با اقیانوس و پایگاه دفاعی میهن ما در مقابل تجاوز جاپان بدل شدند" (از متن پیام ی. و. ستالین به خلق، ۲ سپتمبر ۱۹۴۵).

جنگ جهانی دوم خلاف جنگ جهانی اول از همان ابتدای شروع خود جنبه ضد فاشیستی و آزادیبخش به خود گرفت.

"بدین نحو، در نتیجه بحران اول نظام سرمایه‌داری جهانی جنگ جهانی اول و در نتیجه بحران دوم، جنگ جهانی دوم روی داد.

البته، این به معنای آن نیست که جنگ جهانی دوم رونوشت جنگ جهانی اول است. به عکس، جنگ جهانی دوم به لحاظ ماهیت خود به طرز محوسی با جنگ اول تفاوت دارد. لازم به توجه است که دولتهای عمده فاشیستی (مان، ایتالیا و جاپان) قبل از آن که به کشورهای متحد هجوم بیاورند، در داخل کشور خود آزادی‌های بورژوا -دمکراتیک را از بین بردند، رژیم تروریستی برقرار ساختند و با زیر پا نهادن اصول توسعه مستقل و آزاد کشورهای کوچک، اشغال سرزمینهای دیگران را مبنای سیاست خود قرار دادند و سلطه بر جهان و گسترش نظام فاشیستی در سراسر جهان را هدف آشکار خود اعلام کردند. بر این اساس، کشورهای محور با اشغال چکوسلاواکی و مناطق مرکزی چین نشان دادند که آنها آماده‌اند تهدیدات خود را به بهای بردگی همه خلقهای آزادیخواه به مرحله اجراء درآورند. به همین سبب، مبارزه علیه کشورهای محور در جنگ جهانی دوم متفاوت از جنگ اول، از همان ابتدای شروع، ماهیت آزادیبخش به خود گرفت که برقراری آزادیهای دمکراتیک یکی از اهداف آن بود. ورود اتحاد شوروی به جنگ علیه کشورهای محور فقط توانست ماهیت ضد فاشیستی و آزادیبخش جنگ جهانی دوم را تقویت نماید و تقویت هم کرد.

ائتلاف اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای آزادیخواه که بعدها نقش تعیین‌کننده ای در تارومار کردن نیروهای مسلح کشورهای محور ایفاء کرد، بر همین اساس تشکیل گردید.

چنین است پاسخ سؤال مربوط به منشاء و ماهیت جنگ جهانی دوم" (از متن سخنرانی ی. و. ستالین در اجتماع پیش از انتخاباتی انتخاب کنندگان حوزه انتخاباتی ستالین شهر مسکو، ۹ فبروری سال ۱۹۴۶).

ادامه دارد...

<http://www.vkpb.ru/index.php/voprosy-teorii-i-praktiki-marksizma/item/2427-stalin-o-borbe-narodov-za-mir-i-o-patriotizme>

۳۰ بهمن - دلو ۱۳۹۴